

پیش‌بینی اضطراب کودکان بر اساس واکنش والدین به احساسات منفی آن‌ها با توجه به نقش میانجی تنظیم هیجان

پروانه رویتوند غیاثوند^۱، مریم اسماعیلی نسب^۲
و عماد اشرفی^۳

با توجه به نقش پررنگ خانواده در سلامت روانی کودک، پیش‌بینی عوامل مبتنی بر خانواده منطقی به نظر می‌رسد زیرا خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی- فرهنگی تلقی می‌شود که به عنوان سیستم اجتماعی فرهنگی دارای مجموعه‌ای از قواعد است؛ به طوری که تاثیر خانواده روی اعضا تا حدی است که بسیاری از محققین آن‌ها را ریشه اصلی بروز اختلال‌ها می‌دانند. هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی اضطراب کودکان بر اساس واکنش والدین به احساسات منفی آن‌ها با توجه به نقش میانجی‌گری تنظیم هیجان بود. برای این منظور طی یک پژوهش از نوع همبستگی ۲۳۲ نفر از کودکان پیش‌دستانی شهر تهران و والدین آن‌ها به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و از نظر علایم مرضی کودکان، مقابله با هیجان‌ات منفی کودکان و تنظیم هیجان مورد ارزیابی قرار گرفتند. تحلیل رگرسیون چندگانه و آزمون‌های بوت‌استراپ و سابل نشان داد واکنش والدین به احساسات منفی کودکان به واسطه تنظیم هیجان‌ات بر اضطراب کودکان تاثیر می‌گذارد. همچنین واکنش والدین، اضطراب و تنظیم هیجان را پیش‌بینی می‌کرد و تنظیم هیجان نیز اضطراب کودکان را پیش‌بینی می‌کرد. به نظر می‌رسد همان‌طور که واکنش والدین به هیجان‌ات منفی کودکان در اضطراب کودکان نقش دارد، تنظیم هیجانی کودکان نیز نقش مهمی در بروز اضطراب آن‌ها دارد. می‌توان انتظار داشت وجود تنظیم هیجانی مناسب در کودکان مانعی در برابر واکنش نامناسب والدین و اضطراب ناشی از آن باشد.

کلیدواژه‌ها: واکنش والدین، احساسات منفی کودکان، تنظیم هیجان، اضطراب کودکان

مقدمه

دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت فرد پی‌ریزی شده و شکل می‌یابد. علاوه بر این اغلب اختلال‌های رفتاری، ناشی از عدم یا کمبود توجه به این برهه‌ی حساس مربوط می‌شود (نولن هوکسما، ۲۰۱۵). این کمبود توجه منجر به ناسازگاری با محیط و بروز مشکل‌ها و

۱. دپارتمان روان‌شناسی خانواده درمانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. (نویسنده مسوول) ashrafi@usc.ac.ir

۲. دپارتمان روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. دپارتمان روان‌شناسی خانواده درمانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

اختلال‌های رفتاری و روانی برای آن‌ها می‌شود. لذا توجه به مشکل‌های شایع رفتاری در زمان کودکی یکی از موضوع‌های حائز اهمیت بوده و شناسایی سریع و مداخله به موقع، امکان درمان سریع‌تر و بهبودی بیشتر را مهیا می‌سازد (سیلو و ریوز، ۲۰۱۴).

در این میان اختلال‌های اضطرابی یکی از شایع‌ترین اختلال‌های عاطفی-روانی در کودکان و نوجوان می‌باشند. مطالعات شیوع‌شناسی نشان داده است در حدود ۱۸-۱۲ درصد کودکان و ۵-۱۰ درصد نوجوانان به یکی از معیارهای تشخیصی اختلال اضطرابی مبتلا هستند که عملکرد و روند زندگی آن‌ها را مختل می‌کند (سیلو، آلونسو، برومت و همکاران، ۲۰۱۵). بروز اختلال‌های اضطرابی به اشکال گوناگون (اضطراب جدایی، هراس اجتماعی، اختلال اضطراب فراگیر، بازار هراسی، هراس‌های اختصاصی و غیره)، به طور عمده در از سنین پیش‌دستانی بروز می‌کند و ممکن است سالیان دراز پابرجا بماند. علاوه بر این، میزان بهبودی خودبه‌خودی علایم اضطرابی کودکان و نوجوانان پایین بوده و در طول دوران رشد تداوم می‌یابد (تیوبرت و پینکوارت، ۲۰۱۱). سیر مزمن اختلال‌های اضطرابی، تداوم آن‌ها در سیر رشد، (پادل، میچالیزن، ادموند، پولتو و کندال، ۲۰۱۰)، همبودی با اختلال‌های دیگر و زمینه‌سازی بروز اختلال‌های دیگر در بزرگسالی افسردگی، مصرف مواد، اضطراب در بزرگسالی، افسردگی اساسی و تلاش برای خودکشی (گینزبرگ و کینگری، ۲۰۰۷)، اهمیت شناخت و تشخیص عوامل ایجادکننده و تداوم‌بخش آن را در دوران کودکی برجسته‌تر می‌کند.

اما باید افزود که در سبب‌شناسی اختلال‌های اضطرابی عوامل محیطی و اجتماعی نقش برجسته‌تری دارند و مسلماً مهم‌ترین عامل محیطی در این میان خانواده می‌باشد (بیماهر، اکسل‌سون و مونک، ۲۰۱۳). در این بین باید اشاره کرد اهمیت واکنش والدین به هیجانات کودک را از طریق تاثیراتی که این واکنش‌ها بر روی کودکان می‌گذارد می‌توان دریافت. برای مثال پژوهش‌ها نشان داده‌اند نحوه خاصی از واکنش والدین به هیجانات کودکان، می‌تواند شایستگی اجتماعی و هیجانی کودکان را پایین بیاورد (جونز و همکاران، ۲۰۱۲) و آن‌ها را در برابر افسردگی و سایر اختلالات درون‌سازی آسیب‌پذیر کند (مزولیس، هاید و آبرامسون، ۲۰۰۶؛ سیلک و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین در اختلالات اضطرابی نقش تنظیم هیجان و واکنش والدین به هیجانات این کودکان مشخص شده است (هورل و همکاران، ۲۰۱۵). واکنش‌های غیرحمایت‌گر والدین می‌تواند بر روی توانایی تنظیم برانگیختگی فیزیولوژی و پردازش اطلاعات درباره رویدادهای هیجانی اثر بگذارد و باعث شود کودکان هیجانات را تهدید کننده ببینند، و از موقعیت‌های چالش‌انگیز هیجانی اجتناب کنند، و در نهایت شانس یادگیری و مقابله با هیجانات منفی را از دست بدهند (یی و همکاران، ۲۰۱۶).

بسیاری از والدین مشکلات چشم گیری در نوع پاسخ به ابرازهای هیجانات منفی کودکان شان دارند (مک لیم، ۲۰۱۱). روش واکنش والدین به ابراز هیجانات منفی، حائز اهمیت است؛ در واقع، روشی که آن‌ها در کل ابراز هیجانی را مجاز می‌دانند اهمیت دارد. در بعضی خانواده‌ها، والدین ابراز هیجانات را چندان مجاز نمی‌دانند و بنابراین کودکان شان یاد می‌گیرند به جای تنظیم احساسات، آن‌ها را مخفی کنند (دنهام و همکاران، ۲۰۰۲). برای مثال وقتی که کودکان شکست می‌خورند، گفتگوی متعاقب آن با والدین، بسیار با اهمیت است. در این شرایط اگر مادران در برابر کودکانشان، خشم را ابراز کنند و در طول زمان به آن‌ها باز خورد منفی دهند، پاسخ والدین در ترکیب با واکنش کودکان به تجربه منفی، آن‌ها را در برابر افسردگی آسیب‌پذیر می‌کند (مزولیس و همکاران، ۲۰۰۶). تنبیه، کوچک شمردن، طعنه زدن، عیب جویی یا عدم حمایت از ابراز هیجانات منفی کودکان، باعث می‌شود که آن‌ها این هیجانات را با شدت بیشتری تجربه کنند. وقتی کودکان در معرض استرس فراوان قرار می‌گیرند، آن‌ها اغلب هیجانات منفی بیشتری ابراز می‌کنند (جونز و همکاران، ۲۰۱۲؛ رامسند و هابارد، ۲۰۰۲).

در نتیجه از مطالب فوق می‌توان دریافت تنظیم هیجانی والدین احتمالاً واسط میان واکنش آن‌ها به احساسات منفی کودکان و اضطراب بچه‌ها است زیرا تنظیم هیجان راهبردهای واکنش به موقعیت را با هدف تعدیل شدت و نوع تجربه هیجانی در قبال رویداد فراخوان هیجان شامل می‌شود (گیزنبرگ و کینگبری، ۲۰۱۴). همچنین بررسی متون و مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهد تنظیم هیجان، عامل مهمی در تعیین سلامتی و داشتن عملکرد موفق در تعاملات بین فردی است (روبرتون و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به مطالب گفته شده، پژوهش حاضر در پی این سوال است که آیا می‌توان با واکنش والدین به احساسات منفی کودکان و نیز تنظیم هیجان به عنوان متغیر میانجی، اضطراب کودکان را پیش‌بینی کرد؟

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کودکان پیش‌دستانی شهر تهران و نیز پدر یا مادران این کودکان در سال ۲۰۱۸، بوده است. نمونه مورد مطالعه با توجه به متغیر مستقل و میانجی حداقل ۲۳۲ کودک پیش‌دستانی مدرسه حضرت ابراهیم منطقه ۵ تهران به همراه پدر یا مادرانشان بود و همین طور واجد شرایط لازم برای تکمیل پرسشنامه بودند که به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. در این تحقیق از پرسشنامه‌های استاندارد علایم مرضی کودکان، مقیاس تنظیم هیجان کودکان و مقیاس واکنش والدین به احساسات منفی کودکان استفاده شده است.

پرسشنامه علایم مرضی کودکان^۱ (CSI-4) توسط گادو و اسپرافکین تنظیم شد. آخرین ویرایش پرسشنامه علایم مرضی کودکان همانند نسخه‌های قبلی دارای دو فرم والد و معلم است که در پژوهش حاضر، از فهرست والدین استفاده شده است. فرم والدین دارای ۱۱۲ سؤال بوده که هشت عبارت آن مربوط به اختلال اضطراب می‌باشد. هر یک از عبارات مذکور، در یک مقیاس چهار درجه‌ای «هرگز، گاهی، اغلب اوقات و بیشتر اوقات» پاسخ داده می‌شود که برای درک بیشتر والدین به همراه این مقیاس، در پاسخنامه از علایم نمادین (دایره کوچک و بزرگ) نیز استفاده شده است. لازم به ذکر است که سؤالات ۸۸ الی ۹۵ پرسشنامه مربوط به اختلال مدنظر می‌شود (محمد اسماعیل و علی‌پور، ۲۰۰۱). در تحقیق کلانتری، نشاطدوست و زارعی (۲۰۰۰) اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش تصنیف برای فرم معلمان ۰/۹۱ و برای فرم والدین ۰/۸۵ گزارش شد. روایی محتوایی پرسشنامه در پژوهش محمد اسماعیل و علی‌پور (۲۰۰۱) مورد تأیید نه نفر از روان‌پزشکان قرار گرفته است. پایایی چک لیست والدین از طریق بازآزمایی ۰/۹۰ تعیین شده است. لازم به ذکر است که آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر برای اختلال اضطراب برابر با ۰/۸۴ بود.

مقیاس مقابله با هیجانات منفی کودکان^۲، توسط فابس، ایزنبرگ، برنز و اینگک در سال ۱۹۹۰ ساخته شده است که در سال ۲۰۱۵ توسط میرابل تجدید نظر شد. این مقیاس خودگزارش‌دهی، رفتارهای والدینی را در پاسخ به هیجانات منفی کودکان ارزیابی می‌کند (مانند خشم، ترس، اضطراب). به والدین ۱۲ تصویر فرضی ارائه می‌شود. والدین بر طبق این که احتمالاً چگونه به شیوه ارائه شده، پاسخ می‌دهند، هر تصویر را از ۱ (بسیار بعید) تا ۷ (به احتمال بسیار زیاد) رتبه می‌دهند. همسانی درونی این مقیاس در پژوهش اسماعیلی‌نسب، اندامی‌خشک، آزرمی و ثمرخی (۲۰۱۴) ۰/۶۵ تا ۰/۸۰ به دست آمده است. همچنین اعتبار بازآزمایی خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ۰/۸۳ تا ۰/۹۷، اعتبار بسیار قوی را نشان می‌دهد.

پرسشنامه تنظیم هیجان کودکان توسط شیلد و کیکتی (۱۹۹۸) ساخته شده است که توسط والدین یا معلم تکمیل می‌شود. این مقیاس خودگردانی کودکان را بررسی می‌کند و تقریباً ده دقیقه طول می‌کشد که فرد آن را تکمیل کند و محتوای آن ۲۴ سوال است که ادراکات و دیدگاه‌های والدین را در خصوص روش‌های مرسوم کنترل تجارب عاطفی و هیجانی کودکان هم به لحاظ کنترل جنبه‌های مثبت هیجان و هم جنبه‌های منفی هیجان ارزیابی می‌کند. پرسشنامه تنظیم هیجان، متشکل از دو زیر

1. children syndrome index-4
2. coping with children negative emotion index

3. children emotion regulation questionnaire

مقیاس منفی بافی و تنظیم هیجان است. منفی بافی، فقدان انعطاف پذیری، ناپایداری هیجانی خلق و خوی و اثر منفی عدم کنترل را ارزیابی می کند. تنظیم هیجان حالت عاطفی، احساس همدردی و خود آگاهی عاطفی را اندازه می گیرد. والدین به سوالات با استفاده از مقیاس ۴ امتیازی از نوع لیکرت از گستره ۱ (همیشه) تا امتیاز ۴ (هرگز) پاسخ می دهند. پرسشنامه تنظیم هیجان، با انواع مختلف کودکان مثل کودکان مورد اذیت واقع شده، کودکان عادی با پیشینه های پایین اجتماعی اقتصادی، کودکان مبتلا به اختلال زبان، کودکان مبتلا به اختلالات اضطرابی و کودکان عادی با وضعیت بالاتر اجتماعی و اقتصادی، به کار برده شده است. ضریب ثبات درونی برای منفی بافی ۰/۹۶ و برای تنظیم هیجان ۰/۸۳ گزارش شده است و ضریب اعتبار برای مقیاس کلی پرسشنامه تنظیم هیجان، ۰/۸۹ بود. جهت بررسی نقش میانجی گری تنظیم هیجان از تحلیل رگرسیون استفاده شد. داده ها با بیست و یکمین ویرایش با نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

مولفه های توصیفی متغیرها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مولفه های توصیفی متغیرهای پژوهش

sd	M	
۲/۲۳	۲/۷۲	۱ اضطراب
۰/۷۹	۴/۲۱	۲ واکنش های متمرکز بر هیجان
۰/۸۴	۴/۶۱	۳ واکنش های متمرکز بر مشکل
۰/۹۴	۴/۱۰	۴ تشویق
۰/۸۹	۳/۶۵	۵ واکنش های کوچک شماری
۰/۹۴	۲/۷۶	۶ واکنش های محروم کردن
۰/۷۷	۳/۰۷	۷ واکنش های پریشانی
۰/۷۶	۴/۳۱	۸ واکنش های حمایت گرانه
۰/۷۴	۳/۱۶	۹ واکنش های غیرحمایت گرانه
۴/۴۵	۲۲/۳۹	۱۰ برچسب زنی منفی
۳/۵۴	۳۳/۳۷	۱۱ تنظیم هیجان

در جدول دو شاخص های معادله پیش بینی اضطراب کودکان ارائه شده است. مطابق جدول دو می توان نتیجه گرفت واکنش والدین به احساسات منفی کودکان، اضطراب کودکان را پیش بینی

می‌کند. در همین راستا، با توجه به جدول دو دیده شد که تنظیم هیجان میانجی رابطه میان اضطراب کودکان و واکنش والدین به هیجان منفی کودکان است و می‌توان گفت در مدل اول متغیر واکنش والدین به طور معناداری متغیر اضطراب را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۲. شاخص‌های معادله پیش‌بینی اضطراب کودکان

ضریب‌های استاندارد نشده					
مدل	B	خطا	بتا	T	ضریب تعیین F
ثابت	۴/۳۲۳	۰/۷۰۳		۶/۱۵۲	۰/۰۷
واکنش والدین	-۰/۶۲۹	۰/۱۵۳	-۰/۲۶۵*	-۴/۱۰۷	۱۶/۸۷*

* $p < 0.001$

در مدل بعدی واکنش والدین، متغیر میانجی یا تنظیم هیجان را پیش‌بینی می‌کند. در مدل آخر هم نتایج نشان می‌دهد متغیر میانجی حتی با کنترل متغیر مستقل اثر معناداری روی متغیر وابسته دارد در حالی که اثر متغیر مستقل بر روی وابسته با کنترل متغیر میانجی کمتر شده است.

جدول ۳. شاخص‌های آماری و ضرایب رگرسیون مدل‌های آزمون میانجی‌گری

مدل	متغیر	ضریب‌های استاندارد نشده		شاخص T	Sig	r	r ²
		B	خطای معیار				
۱	ثابت	۴/۳۲۳	۰/۷۰۳	۶/۱۵۲	۰/۰۰۱	۰/۲۶۵	۰/۰۷۰
	واکنش والدین	-۰/۶۲۹	۰/۱۵۳	-۴/۱۰۷	۰/۰۰۱		
۲	ثابت	۵۲/۴۳۸	۵/۹۳۶	۸/۸۳۵	۰/۰۰۱	۰/۲۵۷	۰/۰۶۶
	واکنش والدین	۵/۱۴۸	۱/۲۹۴	۳/۹۷۸	۰/۰۰۱		
۳	ثابت	۶/۴۳۸	۰/۷۶۹	۸/۳۷۴	۰/۰۰۱	۰/۴۲۲	۰/۱۷۸
	تنظیم هیجان	-۰/۰۴۰	۰/۰۰۸	-۵/۴۱۳	۰/۰۰۱		
	واکنش والدین	-۰/۴۲۱	۰/۱۴۹	-۲/۸۲۲	۰/۰۰۵۲		

برای آزمون معناداری این تغییر اثر متغیر مستقل روی وابسته (با و بدون وجود متغیر میانجی) از آزمون‌های بوت‌استرپ و سابل استفاده شده است که نتایج در جدول‌های چهار آمده است. در واقع این آزمون‌ها نشان می‌دهند که آیا این کاهش اثر معنادار است یا نه. نتایج جدول چهار نشان می‌دهد اندازه اثر به دست آمده از طریق بوت‌استرپ کمتر از ۰/۲۱- است و مقدار صفر میان دو حد بالا و پایین قرار ندارد که این مقدار معنادار به دست آمده و نشان می‌دهد متغیر تنظیم هیجان میانجی رابطه

میان واکنش والدین و اضطراب کودکان است.

جدول ۴. شاخص های آزمون بوت استراپ و سابل

آزمون سابل				آزمون بوت استراپ			
معناداری	Z	خطای معیار	اندازه اثر	حد بالا	حد پایین	خطای معیار	اندازه اثر
۰/۰۰۱۵	-۳/۱۷۱	۰/۰۶۶	-۰/۲۰۸	-۰/۰۸۴	-۰/۴۳۲	۰/۰۹۲	-۰/۲۰۸

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد واکنش والدین به هیجانات منفی کودکان، اضطراب کودکان را پیش بینی می کند. بنا بر پژوهش انجام شده، رابطه مستقیم بین واکنش حمایت گرایانه والدین و اضطراب کودکان وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچقدر واکنش حمایت گرایانه والدین بیشتر باشد کودک دچار اضطراب کمتری می گردد. این یافته ها با نتایج پژوهش های جونز و همکاران (۲۰۱۲)، مزولیس و همکاران (۲۰۰۶)، سیلک و همکاران (۲۰۰۶)، هورل و همکاران (۲۰۱۵)، یی و همکاران (۲۰۱۵)، مک لیم (۲۰۱۱)، دنهام و همکاران (۲۰۰۲)، رامسدن و هابارد (۲۰۰۲)، ایزنبرگ و کینگبری (۲۰۱۴) و روبرتون و همکاران (۲۰۱۱) همسو است.

یافته های فوق را می توان این گونه تبیین کرد که تاثیر خانواده روی اعضا تا حدی است که بسیاری از محققین معتقدند ریشه اصلی بروز اختلال ها در افراد، خانواده آنهاست. حتی اگر خانواده موجب اختلال مشخص در افراد نشود، می تواند سلامت عمومی اعضای خود را تحت تاثیر قرار دهد. یی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود پی برند انسجام و پیوستگی در خانواده و درک اعضا از خودشان به عنوان یک واحد، با سلامت هیجانی کلی اعضای خانواده و بیمارشان همبستگی وجود دارد؛ به طوری که آنها تنیدگی، اضطراب و افسردگی پایین تری را گزارش دادند.

در همین راستا، آدکینز (۲۰۰۳) بیان می کند کودک نخستین تجارب حمایت اجتماعی خود را در کانون خانواده کسب می کند. نحوه برخورد، پذیرش، دوست داشتن و رفتار مساعد کودک او را برای احیای نقش های اجتماعی و برطرف ساختن نیازهایش یاری می دهد. ارتباط و پیوند افراد خانواده، در سلامت روانی کودک تاثیر به سزایی دارد. مطالعات نشان می دهد حمایت و پذیرش والدین، خون گرم بودن و تربیت فرزند به صورت آزادمنشانه موجب افزایش عزت نفس در کودک می شود. این مسئله پذیرفته شده است که امید و حمایت والدین در زندگی تحصیلی کودکان نقش حیاتی دارد. بیشترین بهره هنگامی نصیب کودک می شود که والدین، کودک و مراقبین با یکدیگر همکاری داشته باشند.

والدین زمان زیادی را صرف کودک خود می کنند و نقاط ضعف و قوت آن ها را می شناسند، نیازهای آن ها را پیش بینی می کنند و در سال های اولیه زندگی فرزندان شان، تصمیمات بسیاری برایشان می گیرند، بنابراین منطقی است که برای بهره مند شدن کودک از همکاری والدین او استفاده شود (جونز و همکاران، ۲۰۱۲). بر این اساس خانواده هایی که به احساسات کودکان خود توجهی ندارند و از احساسات کودکان خود حمایتی نمی کنند و پذیرشی ندارند بستر مشکلاتی از قبیل اضطراب را برای آنان فراهم نموده است؛ لذا به نظر می رسد وجود این گونه خانواده ها در کودکان مضطرب، طبیعی بوده و می توان آن را با واکنش های حمایت گرایانه و غیرحمایت گرایانه والدین تبیین کرد.

باید افزود که در اختلالات اضطرابی نقش تنظیم هیجان و واکنش والدین به هیجانات این کودکان مشخص شده است (هورل و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین نتایج برخی از تحقیقات نشان می دهد که تنظیم هیجان می تواند نقش میانجی گری را بین واکنش والدین به هیجانات کودکان و اضطراب کودکان داشته باشد (زویوم و همکاران، ۲۰۱۷)؛ به علاوه نحوه واکنش والدین نقش مهمی در سازگاری، کفایت اجتماعی، رشد زبان، آگاهی هیجانی و تنظیم هیجان کودک (هورل و همکاران، ۲۰۱۵) دارد و همچنین تاثیر بر عواملی همچون سبک های مدیریت هیجان و بازداری هیجانی و عاطفه بد تنظیم شده در کودکان و پاسخ دادن کودک به دیگران به صورت همدلانه و مثبت دارد.

واکنش های غیرحمایتگر والدین می تواند بر روی توانایی تنظیم برانگیختگی فیزیولوژی و پردازش اطلاعات درباره رویدادهای هیجانی اثر بگذارد و باعث شود کودکان هیجانات را تهدید کننده ببینند و از موقعیت های چالش انگیز هیجانی اجتناب کنند و در نهایت شانس یادگیری و مقابله با هیجانات منفی را از دست بدهند (یی و همکاران، ۲۰۱۵). در نهایت می توان گفت همان طور که واکنش والدین نقش مهمی را در تنظیم هیجان کودکان بازی می کند تنظیم هیجان نیز نقش مهمی در اضطراب کودکان دارد و در صورت واکنش نامناسب والدین به احساسات منفی کودکان با وجود تنظیم هیجان مناسب می توان عدم اضطراب کودکان را پیش بینی کرد.

References

- Adkins, K. L. (2003). Predicting Self-Esteem Based on Perceived Parental Favoritism and Birth Order. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 37(3), 123-132.
- Birmaher, B., Goldstein, B. I., Axelson, D. A., Monk, K., Hickey, M. B., Fan, J., ... & Brent, D. (2013). Mood lability among offspring of parents with bipolar disorder and community controls. *Bipolar disorders*, 15(3), 253-263.
- Davidov, M., & Grusec, J. E. (2006). Untangling the links of parental responsiveness to distress and warmth to child outcomes. *Child development*, 77(1), 44-58.
- Esmailinasab M, Andami Khoshk A, Azarmi H, Samar Rakhi A. (2014). The Predicting Role of Difficulties in Emotion Regulation and Distress Tolerance in Students' Addiction Potential.8 (29) :49-63

- Fabes, R. A., Eisenberg, N., & Bernzweig, J. (1990). *The coping with childrens Negative Emotions Scale: Procedures and scoring*. Available from Richard Fabes ,Department of Family Resources and Human Development ,Arizona State University ,Tempe,AZ,85287-2502.
- Ginsburg, G. S., & Kingery, J. N. (2007). Evidence-based practice for childhood anxiety disorders. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 37(3), 123-132.
- Hurrell, K. E., Hudson, J. L., & Schniering, C. A. (2015). Parental reactions to childrens negative emotions : relationships with emotions regulation in children with an anxiety disorder . *journal of anxiety disorders*, 29, 72
- Jin, Z., Zhang, X., & Han, Z. R. (2017). Parental emotion socialization and child psychological adjustment among Chinese urban families: Mediation through child emotion regulation and moderation through dyadic collaboration. *Frontiers in Psychology*, 8, 2198.
- Jones, S., Eisenberg, N., Fabes, R. A., & MacKinnon, D. P. (2012). *Parents' reactions to elementary school children's negative emotions: Relations to social and emotional functioning at school*. *Merrill-Palmer Quarterly* (1982-), 133-159.
- Kalantari, M., Neshatdoost, H., & Zarei, M. B. (2000). The effect of parental behavioral education and pharmacotherapy on the rate of hyperactive symptoms in children with attention deficit-hyperactivity disorder. *Journal of Psychology*, 2 (4): 118-135.
- Macklem, G. L. (2011). *Evidence-based school mental health services [electronic book]: affect education, emotion regulation training, and cognitive behavioral therapy*/Gayle L. Macklem.
- Mezulis, A. H., Hyde, J. S., and Abramson, L. Y. (2006). The developmental origins of cognitive vulnerability to depression : *Temperament , parenting , and negative life events in childhood as contributors to negative cognitive style* . *Developmental psychology* , 42(6), 1012-1025.
- Mirabile, S. P. (2015). Ignoring children's emotions: A novel ignoring subscale for the Coping with Children's Negative Emotions Scale. *European Journal of Developmental Psychology*, 12(4), 459-471.
- Mohammad Esmaeil, E.; Alipour, A. (2001). Preliminary evaluation of validity, validity and determination of cutting points of disorders in children's symptom questionnaire. *Journal of Behavioral Sciences*. 5 (3): 88-80. (in persian).
- Nolen-Hoeksema, S. (2015). *Abnormal psychology*. Boston: McGraw-Hill.
- Podell, J. L., Mychailyszyn, M., Edmunds, J., Puleo, C. M., & Kendall, P. C. (2010). *The Coping Cat Program for anxious youth: The FEAR plan comes to life*. *Cognitive and Behavioral Practice*, 17(2), 132-141.
- Ramsden, S. R., & Hubbard, A. (2002). Family expressiveness and parental emotion coaching . Their role in childrens emotion regulation and aggression . *Journal of Abnormal child psychology* , 30, 657-667.
- Gross, J. J. (2014). *Handbook of emotion regulation*. New York : Guilford press.
- Robertson, T., Daffern, M., & Bucks, R. S. (2011). *Emotion regulation and aggression*. *Aggression and Violent Behavior*. In Press.
- Shields, A., & Cicchetti, D. (1998). Reactive aggression among maltreated children: The contributions of attention and emotion dysregulation. *Journal of clinical child psychology*, 27(4): 381-395.
- Silk, J. S., Shaw, D. S., Forbes, E. E., Lane, T. L., & Kovacs, M. (2006). Maternal depression and child internalizing : The moderation role of child emotion regulation . *journal of clinical child and adolescent psychology* , 35(1), 116-126.
- Silove, D., & Rees, S. (2014). Separation anxiety disorder across the lifespan: DSM-5 lifts age restriction on diagnosis. *Asian journal of psychiatry*, 11, 98-101.
- Silove, D., Alonso, J., Bromet, E., Gruber, M., Sampson, N., Scott, K. & de Jonge, P. (2015). Pediatric-onset and adult-onset separation anxiety disorder across countries in the World Mental Health Survey. *American Journal of Psychiatry*, 172(7), 647-656.
- Teubert, D., & Pinquart, M. (2011). *A meta-analytic review on the prevention of symptoms of anxiety in children and adolescents*. *J Anxiety Disord*, 25(8), 1046-1059.
- Yi, C. Y., Gentzler, A. L., Ramsey, M. A., & Root, A. E. (2016). Linking maternal socialization of positive emotions to children's behavioral problems: The moderating role of self-control. *Journal of Child and Family Studies*, 25(5), 1550-1558.

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 15 (No. 57), pp.27-36, 2020

Predicting Children's Anxiety Based on Parents' Reaction to Their Negative Emotions with Mediating Role of Emotion Regulation

Royatvand Ghiasvand, Parvaneh¹, Esmeili Nasab, Maryam²
& Ashrafi, Emad³

Received: 2020/06/26

Accepted: 2020/09/01

Given the prominent role of the family in the mental health of child, it seems reasonable to predict family-based factors because the family is considered as a socio-cultural system that has a set of rules; So that the impact of family on members is such that many researchers consider them as a main cause of disorders. The aim of this study was to predict children's anxiety based on parents' reactions to their negative emotions with mediating role of emotion regulation. In this respect, a descriptive-correlational study was performed and 232 preschool children and their parents in the city of Tehran were selected through the convenience sampling method and investigated in terms of children's anxiety symptoms, coping with children's negative emotions, and emotion regulation. Multiple regression analysis and Bootstrap and Sable tests showed that parents' reaction to children's negative emotions affects children's anxiety by emotion regulation. Parents' reaction also predicted anxiety and emotion regulation, and emotion regulation predicted children's anxiety as well. It seems that just as parents' reaction to children's negative emotions play a role in children's anxiety, so does children's emotion regulation play an important role in their anxiety. It can be expected appropriate emotion regulation in children is as a barrier to parents' inappropriate reaction and anxiety caused by it.

Keywords: Parents' reaction, children's negative Emotions, emotion regulation, children's anxiety

-
1. Dept. of Family Therapy Psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran. (Responsible author). ashrafi@usc.ac.ir
 2. Dept. of Psychology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
 3. Dept. of Family Therapy Psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran.